

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

آتش‌زبانی

خداوندا! چه سنگین زندگانی ست
چه طولانی ست دور غصه و غم
درین شیرین و تلخ عمر دیدم
تویی چون باغبان باغ هستی
ثمر نگرفته، شاخی بشکنانی
گهی از دست، گیری گوهر ناب
مژه بر هم زدن، قطع سازی
کنی بر رمه گرگی را نگهبان
درین محنت‌سرا از قدرت تو
به هر جا قدرت خاص تو پیدا ست
به اوصافت که رحمان و رحیمست
گهی رنج زمین، گاه آسمانی ست
چه کوتاه لحظه‌های شادمانی ست
که کار توست هرچه کاردانی ست
به قربان تو، این چه باغبانی ست
ز هم نشکفته برگ، زعفرانی ست
گهی بر سینه‌ها گوهر فشانی ست
گل و شاخی که در عین جوانی ست
عجب بنده نوازی و شبانی ست
گهی سستی و گاهی سختجانی ست
مگر وصف بزرگت بی نشانی ست
بنازم، این چه رحم و مهربانی ست

زبان بر بند "اسیر" از این فضولی

ترا چون جرأت آتش‌زبانی ست؟

(بن - المان، می ۱۹۹۸ ع)